



بنیاد شایسته‌های فرهنگستانای ایران

فرهنگستان زبان ایران

برابرهای فارسی
برخی از واژه‌های آموزشی

۱۳۵۳ خورشیدی

انتشارات فرنگستان زبان ایران

شماره ۸



بنیادشاهاهی فرهنگستانهای ایران

فرهنگستان زبان ایران

برابرهامی فارسی
برخی از واژه های آموزشی

۱۳۵۳ خورشیدی

برابره‌های فارسی واژه‌های آموزشی
انگلیسی که در این دفتر آمده است مورد
نیاز و درخواست وزارت علوم و آموزش
عالی بوده است .

فرهنگستان زبان ایران بر پایهٔ روش
واژه‌گزینی خود، این واژه‌ها را با تعریف
آنها در نخستین شمارهٔ جزوهٔ «پیشنهاد شما
چیست؟» چاپ و برای آگاهی از نظر
دانشمندان ایرانی و دانشمندان فارسی‌دان
جهان منتشر نمود، و نیز آنها را در
گروه‌های واژه‌گزینی خود مورد بررسی
قرار داد .

همهٔ پیشنهادها در شورای فرهنگستان
زبان ایران مطرح گردید، و پس از
بررسی واژه‌هایی که در این دفتر یاد شده
است از میان آنها برگزیده شد .
واژه‌های برگزیدهٔ شوری به شرف
عرض اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
رسید و مورد تصویب قرار گرفت .

فرهنگستان زبان ایران

admission (fee)

پذیرانه

پولی که در هنگام ورود یا برای ورود به جائی پرداخته می‌شود (ورودی).

«پذیرانه» از «پذیر» (پذیرفتن) و پسوند «آنه» که در «بیعانه» و «شاگردانه» بکار رفته، ساخته شده است.

assistant

دستیار

یکی از اعضای هیأت آموزشی دانشکده یا دانشگاه، معمولاً از مرتبه پائین، که کارش تصحیح برگه‌های آزمایش (امتحان) دانشجویان، سرپرستی آزمایشگاهها، یا تدریس است.

assistant professor

استادیار

یکی از اعضای هیأت آموزشی دانشگاه که مقام او بالاتر از آموزشیار (instructor) و پائین‌تر از دانشیار-associate (professor) است.

دانشبهر

کسی که درجه دانشبهری را بدست آورده است (فوق‌دیپلمه).
نگاه کنید به: دانشبهری.

associate

دانشپوری

درجه یا عنوانی که برخی از آموزشگاههای عالی و دانشگاهها به دانشجویی می دهند که دوره ای را که در حد خود کامل ولی پائین تر از دوره دانشیابی (لیسانس) است به پایان رسانیده باشد .
این درجه تا کنون «فوق دیپلم» نامیده می شد که مرکب است از يك واژه عربی و يك واژه فرانسه .

associate professor

دانشیار

یکی از اعضای هیأت آموزشی يك آموزشگاه عالی یا دانشگاه که مرتبه او پائین تر از استاد و بالاتر از استادیار است .

bachelor (1)

دانشیاب

کسی که درجه دانشیابی را در یکی از رشته های تحصیلی بدست آورده است (لیسانسیه) .
نگاه کنید به : دانشیابی .

bachelor (2)

دانشیابی

درجه ای دانشگاهی که نشانه به پایان رسانیدن برنامه دوره «لیسانس» است (لیسانس) .

bulletin (1)

پژوهشنامه

نشریه ادواری يك بنگاه علمی .

bulletin (2)

آگاهینامه

- ۱) فشرده و گلچینی از خبرهای مهم مورد توجه مردم که سازمانی منتشر می کند .
- ۲) اعلامیه‌ای که طرحها و برنامه‌های آینده را دربر داشته باشد .

campus

پَرْدِزِه

- مجموعهٔ ساختمانها و زمینهای يك دانشگاه یا آموزشگاه عالی یا آموزشگاه .
- «پردیزه» از واژهٔ ایرانی باستان *pairi daêza* به معنی «دوربسته» گرفته شده است . واژهٔ «پردیز» نیز برای *park* در نظر گرفته شده است .

catalog (= catalogue)

فهرست

- صورت یا سیاههٔ منظمی از چیزها ، معمولا به ترتیب الفبائی و اغلب همراه با توصیف آنها .
- فهرست‌نامه : هرگاه فهرست صورت کتابی داشته باشد می توان بجای آن «فهرست‌نامه» بکاربرد .

chairman

قَرْنِشِين

- ۱) رئیس يك سازمان یا کمیته که ادارهٔ جلسه‌های آن سازمان یا کمیته با او است ، و معمولا می تواند برای به انجام رسانیدن

کارها اعمال قدرت کند .

۲) استاد یا معلمی که رئیس يك گروه آموزشی باشد .
واژه «فر نشین» از «فر» به معنی «پیش» و «نشین» به معنی «نشیننده» ساخته شده است که بر روی هم به معنی کسی خواهد بود که مقدم بر دیگران می نشیند .

class **هماموزگان**

۱) گروهی از شاگردان که مرتبه آموزشی همانندی دارند.
۲) گروهی از شاگردان که زیر نظر يك آموزنده به طور منظم در جلسه درس معینی برای شنیدن سخنرانیها ، بحث ، یا قرائت درسها شرکت می کنند .
این واژه از پیشوند «هم» و «آموزه» به معنی «درس» و «ان» پسوند جمع ، ساخته شده است .

classroom **آموزگاه**

اتاقی در يك آموزشگاه یا دانشگاه که «هماموزگان» در آن برای درس گرد می آیند (کلاس درس).
این واژه از «آموز» به معنی «آموزش» و «گاه» پسوند مکان ، ساخته شده است .

college **دانشکده**

۱) هر يك از بخشها یا آموزشگاههای وابسته به يك دانشگاه

- که در رشته ویژه‌ای درجه دانشگاهی می‌دهند .
 (۲) بخش ویژه‌ای از يك دانشگاه .
 «کالج» در این معنیها با faculty برابر است .

congress

همایش

مجموعی رسمی از نمایندگان و فرستادگان کشورهای گوناگون که برای گفتگو، ترتیب و تنظیم، یا پیشرفت موضوعی که مورد علاقه همگان است تشکیل می‌شود (کنگره).
 این واژه از پیشوند «هم» و «آیش» اسم مصدر از «آمدن» ساخته شده است که بر روی هم به معنی «گرد هم آمدن» خواهد بود. واژه انگلیسی congress نیز از واژه لاتینی congressus آمده است که مرکب است از «com-» به معنی «هم» و «gradi» به معنی «رفتن».

course (1)

آموزه

- (۱) يك درس از يك برنامه آموزشی .
 (۲) يك واحد آموزشی (درس).

course (2)

آموزمان

مجموعه‌ای از واحدهای درسی که تشکیل يك رشته تحصیلی را می‌دهند و می‌توان در آن رشته درجه دانشگاهی گرفت .

curriculum

برنامه آموزشی

همه رشته‌ها یا درس‌هایی که يك مؤسسه آموزشی ارائه می‌کند.

degree

زینه

عنوانی که يك آموزشگاه عالی یا دانشگاه به دانشجوئی که رشته‌ای از تحصیلات را به پایان رسانیده‌است می‌دهد (درجهٔ تحصیلی).

واژهٔ «زینه» از واژه‌های مصوب فرهنگستان پیشین در برابر degré فرانسه و «درجهٔ» عربی است بدون هیچگونه توضیح دربارهٔ معنی و کاربرد آن.

department

گروه آموزشی

بخشی از يك آموزشگاه یا دانشکده که رشتهٔ ویژه‌ای از دانش در آن درس داده می‌شود.

diploma

گواهینامه

سندی که نشانهٔ به‌پایان رسانیدن تحصیل، یا گرفتن درجه‌ای از يك مؤسسه آموزشی است.

واژهٔ «گواهینامه» از واژه‌های مصوب فرهنگستان پیشین در برابر واژهٔ diplôme فرانسه است ولی نه برای همه درجه‌های تحصیلی. برای دیپلم‌های تحصیلات عالی «دانشنامه» از طرف آن فرهنگستان پیشنهاد شده و به تصویب رسیده بود. چون

«دانشنامه» را ابوعلی سینا در معنی دائرة المعارف (encyclopédie) بکار برده است و این واژه برابر فارسی مناسبی ندارد «گواهینامه» برای همه درجه‌های تحصیلی ابتدائی و متوسطه و عالی پیشنهاد و تصویب گردیده و «دانشنامه» برای encyclopédie منظور شده است .

division **بخش**

يك واحد بزرگ اداری در مؤسسات آموزش عالی که معمولاً چند گروه آموزشی را در بر می گیرد .

elective **گزینشی**

اختیاری (optional) ، دوره یا درس اختیاری (درسی که دانشجو در برگزیدن آن آزاد است).

emeritus **شاینده**

شخص بازنشسته‌ای که از عنوان منصبی که پیش از بازنشسته شدن داشته است افتخاراً استفاده می کند . مانند :

Professor emeritus

واژه «شاینده» از «شایستن» به معنی «لایق و سزاوار بودن» گرفته شده است. واژه انگلیسی emeritus نیز از لاتینی emeritus آمده است که مرکب است از پیشوند ex- به معنی «بیرون، بیرون از» و merere به معنی «به دست آوردن و شایستگی داشتن».

examination

آزمایه

آزمونی نوشتاری یا گفتاری که معلم از شاگردان يك کلاس یا از شاگردی به تنهایی به عمل می‌آورد تا پیشرفت و چگونگی یادگیری آنها یا او را در دوره معینی معلوم سازد (امتحان).
چون «آزمایش» از واژه‌های مصوب فرهنگستان پیشین در برابر واژه فرانسۀ *experience* است «آزمایه» که می‌تواند معنی نزدیکی با «آزمایش» داشته باشد در برابر *examination* پیشنهاد و تصویب شده است.

faculty

دانشکده

بخشی از يك دانشگاه که معمولاً کار آموزش چند رشته یا چند گروه آموزشی در آن انجام می‌گیرد، و درجه‌های دانشگاهی می‌دهد.

fee

پردازانه

پولی که باید برای استفاده از امتیاز یا خدمتی پرداخت، و مقدار آن را قانون یا مؤسسه‌ای که آن امتیاز را می‌دهد تعیین می‌کند.
این واژه از «پرداز» و پسوند «آنه» ساخته شده است مانند «شاگردانه» و «بیعانه».

fellowship

پژوهانه

پولی که يك مؤسسه آموزشی یا سازمان و بنیاد ملی یا

خصوصی برای پژوهش، یا بررسی، یا نوشتن کتابی به کسی می‌دهد (حق‌التحقیق).

این واژه از «پژوه» به معنی «پژوهش» و پسوند «آنه» ساخته شده است.

full time پیوسته کار

کسی که در سراسر وقت مقرر برای خدمت، در سازمانی کار می‌کند (تمام وقت).

پیوسته کاری

کار کردن در سراسر وقت مقرر برای خدمت، در سازمانی.
نگاه کنید به: پیوسته کار.

grade پایه

هر یک از پایه‌های تحصیلی در دانشگاه، دبیرستان یا دبستان که معمولاً معرف یک سال تحصیلی است (کلاس).

instructor آموزشیار

کسی که در یک آموزشگاه عالی یا دانشگاه درس می‌دهد و مقام او پایین‌تر از مقامهای آموزشی رسمی مانند استادیاری، دانشیاری و استادی است (مربی).

institution نهاد

الگوی (pattern) سازمان یافته‌ای از رفتار گروهی (دسته).

جمعی) که کاملاً جا افتاده است و به عنوان یکی از بخشهای بنیادی يك فرهنگ پذیرفته شده است .

آموزشکده junior college

مؤسسه‌ای آموزشی که از نظر مرتبه پس از دبیرستان قرار دارد و آموزشی دو ساله می‌دهد که با آموزش دو سال نخستین کالج برابر است و دانشجویان را برای رفتن به دانشگاه آماده می‌سازد .

آرزه mark

نمادی (a symbol) که معلم برای نشان دادن نتیجه ارزشیابی خود از درس و رفتار شاگردی بکار می‌برد .
واژه «ارزه» از «ارزیدن» ساخته شده است و می‌تواند معنایی نزدیک به «ارزش» داشته باشد .

دانشور master (1)

کسی که درجه «دانشوری» را بدست آورده باشد (فوق لیسانسیه) .
نگاه کنید به : دانشوری .

دانشوری master (2)

درجه‌ای دانشگاهی بالاتر از لیسانس و پائین‌تر از دکتری (فوق لیسانس) .

ویژه‌نگاشت

monograph

کتاب یا رساله یا جزوه‌ای دربارهٔ یک موضوع ویژه و معمولاً محدود.

برخه کار

part time

کسی که در بخشی از وقت مقرر برای خدمت، در سازمانی کار می‌کند (غیر تمام وقت).
این واژه از «برخه» به معنی «بخش، بهره» و «کار» ساخته شده است.

برخه کاری

کار کردن در بخشی از وقت مقرر برای خدمت، در سازمانی.
نگاه کنید به: برخه کار.

پیش‌بایست

prerequisite

۱) شرایط لازم تحصیلی که یک دانشجو باید داشته باشد تا بتواند به تحصیلات خود ادامه دهد.
۲) درسی که لازم است دانشجو خوانده باشد تا بتواند درس دیگری را برگزیند.

چهارک

quarter

هر یک از دوره‌های دوازده هفته‌ای یک سال تحصیلی،

هر گاه به چهار بخش شود . معمولاً يك دوره از این چهار دورهٔ تحصیالی دورهٔ تعطیلات تابستانی است یا کلاسهای تابستانی در آن تشکیل می‌شود .

required

دَر بایست

آنچه لازم و ضروری است .

requirement

دَر بایست

شرط اصلی و لازم برای چیزی .

research

پژوهش

بررسی ژرف و جامعی که هدف آن دست یافتن به حقایق تازه ، و تعبیر درست آنها و تجدید نظر در نتیجه‌ها و نظریه‌ها و قانونهای پذیرفته شده ، در پرتو این حقایق تازه بدست آمده ، و یا کار بستن آنها باشد (تحقیق).

schedule

فَرانما

طرح پیشنهادی نوشته شده‌ای برای انجام دادن کارهای آینده که معمولاً هدف و زمان و ترتیب هر يك از کارهایی را که باید انجام گیرد ، و مواد و ابزارهایی را که برای انجام دادن آن کارها لازم است ، معلوم می‌سازد .

school

دَبستان

گروهی از دانشمندان ، هنرمندان ، نویسندگان و جز آنها

که از يك استاد آموزش گرفته‌اند ، یا به سبب همانندی روش و شیوه و اصول به یکدیگر همبستگی یافته‌اند . مانند :
 the Platonian school of philosophy
 برای معنی عام آموزشی school انگلیسی و école فرانسه
 به پیشنهاد فرهنگستان پیشین واژه «آموزشگاه» به تصویب
 اعلیحضرت رضا شاه کبیر رسیده‌است .

semester

نیمسال

(۱) يك دوره ششماهه .

(۲) یکی از دو بخش پانزده تا هجده هفته‌ای يك سال تحصیلی .

واژه انگلیسی semester از واژه لاتینی semestris به معنی «ششماهه» آمده‌است ، و آن مرکب است از sex به معنی «شش» و mensis به معنی «ماه» .

study

پژوهی

مطالعه دقیق یا تجزیه و تحلیل يك پدیده یا يك مسئله معمولاً در موضوعی محدود .

symposium

همسگالی

مجمع یا کنفرانسی برای بحث درباره موضوعی .
 واژه انگلیسی symposium از لاتین گرفته شده‌است ، و
 لاتینی آن از واژه یونانی symposion به معنی «مهمانی شراب»

آمده و مرکب است از "sun-" به معنی «هم ، باهم» و "posis" به معنی «نوشیدن». پس معنی لغوی سمپوزیوم «با هم نوشیدن» است . واژه همسگالی از پیشوند «هم» و «سگال» از «سگالیدن» به معنی «اندیشیدن ، رای زدن و مشورت کردن» ، و پسوند «ی» ساخته شده است .

آزمون **test**

۱) چیزی که به عنوان پایه و مبنای ارزشیابی بکار رود .
۲) فنی (تکنیکی) برای اندازه گیری عینی سنجایی شخصی و استعدادهاى يك فرد و دانسته‌هاى او از راه سنجش واكنش رفتارى او در برابر انگیزه‌ها و موقعیت معینی که استاندارد (standard) دانسته شده است با واكنش رفتارى دیگران در برابر آن انگیزه‌ها و موقعیت .
۳) آزمایش‌ای (امتحانی) که برای تعیین معلومات و قدرت ذهنی شاگردان در طول سال تحصیلی یا نیمسال تحصیلی از آنها به عمل می‌آید ، و موضوع آن محدود به بخشی از درسهای آنان در مدت سال می‌باشد .

پایان نامه **thesis**

رساله‌ای پژوهشی و بنیادی که دانشجوی داوطلب گرفتن یکی از درجه‌های دانشگاهی به‌راهنمائی مستقیم استاد می‌نویسد .
« پایان نامه » در واژه‌های مصوب فرهنگستان پیشین تنها برای درجه دکتري یاد شده است .

tuition (fee)

آموزانه

پولی که برای آموزش، بویژه در يك مؤسسه رسمی آموزشی پرداخته می شود (شهریه).
واژه «آموزانه» از «آموز» به معنی «آموزش» و پسوند «آنه» ساخته شده است.

visiting professor

استاد دیدارگر

استادی که دانشگاهی او را برای زمان معینی (مثلا يك سال تحصیلی) دعوت می نماید تا در آنجا تدریس کند (استاد مدعو).

